

File No.

1857 .

Collection No. |

MUTINY PAPERS

Proc. Serial Nos. Files of SIRAJU'LLAH AKHAR

Vol. 13 ; no. 22 ; August-15-21, 1857.

Subject.

News about The Moghul Court at Delhi.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$ " (Printed).

Previous References.

Later References.

طعام کشته قبول نگاه ایستند باد
 نماز شبین و دیگر اشغال پیشین
 رسیدن بنابر حکمت بناه و دیگر الکبر
 بنده بکین و فرزندان ایشان حاضر
 عرض و معروض نمودند بر وقت
 ترضیص انما محمد نجت خان کوزیر
 ساد و حاضر کشته خبری عرض کردنی
 معروض داشت بعد حضرت گشت

و مجاهد با بسفد ان غار فرمودند که بنم
 ان شقه کرامت مرقه عرصه در نزد
 بعد از ان داخل ایوان شهر بار
 شده نصف النهار تکلم نعمت بر
 مایه طعام کشته قبول نگاه ایستند
 بدای نماز شبین و دیگر اشغال پیشین
 عصر خوانده عرضی حکمت بناه مشغول
 بودن خود این وقت از اخبار دربار
 جهان در سبب نزول باران رحمت
 بنظر انور که گشت زیر دست فرمودند
 که مضایقه نیست و همین وقت بمیان
 چهار قطعه شقیات کرامت سات
 بی مرتبه دارالافتا اسی را در قلام
 یکی شعر فرمودی خاطر دریا ماطر
 و طلب زرامنی موضع مسد بر اولی
 بهر سه معتمدان خود و دومی استی
 همین را و مهدوح در باره ارسال ندر
 ساتام مواضعات ماکذاری و
 سوایی بهین ایشاد که هر قدر ز
 تحصیل آمدنی انجیر خواه رسیده باشد
 برای تقسم نخواهد اران ارسال نماید

نقطه
بوم کسرت و سحر و کج
 بانشارت تبار شیر باد و فریبه و نلسی کرده
 باقرام الدوله باد و راسعادت نفس شاکر
 بخشید و در بار جهان ماکذاری کردید
 ارکان دولت و ایمان حضرت بجا اولم
 بجا آورده دست لبته حاضر آمدند بملکه
 عرضی را در قلام رئیس ربواری در
 از نظام اصلاح این برکنه و عرض عکاس
 حق ملک موردی از تحصیل دیگر برکت
 و گم داشت چهار و پنج هزار سوار
 و بیاد و سوجبت و سخط و مقابله

و چاری در باره فیض و کیل الله و
 رانی ارشادات بهر گاه و الا ضرر
 است سبیل بهر خاص فرموده حکم
 احسن آن نمودن احسن بن خا
 جلوه افزای دولت حاصل گشته و
 حاضرین در دولت را بقبض قبول
 محرانوخته کاشانه اجلال را رشک
 خلد برین ساخته نطق
یوم دوشنبه و ششم
 در الصبح از آن جناب طاعت رفتی بجا آورده
 پیش از آنکه بنفش شناسی با احترام الله و له بهادر
 داد و سنده در باره استند جناب
 ذوی الاقتدار اداب و کور نشین بجا آورده
 دست بسته ببارگاه ملک استیلاوند
 محمد نجیب خان کور ز خزل بهادر حاضر
 شده مع دیگر افسران فوج حالات
 جنگ و انتظام آن معروض داشته
 مرخص گشت بعد استوجاب سیر و گلگشت
 گردیده بعد بساعتی از آنجا مراجعت
 نموده داخل ایوان عودشان شده

۳
 بهر خط شش قطعات شقیات گراست
 مرتبه دارالانشای قدس که منسی
 را توکل را در باب طلب دوازده ملک
 رو به سبیل قرض باید که بمراه معتقدان
 خود بعبث حسین نجیب خان عرض بیکی
 و مولوی فیض احمد معنی عدالت العالمیه
 روانه ببارگاه والا نماید و دومی بنام
 مولوی فیض احمد معنی مدوح برای تشریح
 زرتحییل مالگذاری ضلوع بستان شهر دونه
 و سومی بنام رعده انداز خان سالن
 شاه آباد متعلقه صوبه اووه بیاسنج نظر
 کمال الدین خان و ولیر خان در باره
 ملازم و دشمن افواج نظیر امواج بر آس
 انتظام قصه نیکو و ضلوع آن حسب
 شان باید که در اینجا انتظام نموده زرت
 واجب اینجا ارسال نماید و آنکه و
 را خلعت و خطاب باقرایش منصب
 و جاگیر از بیگانه خسروسی خواهد گردید
 و چارسی بنام ولیاد خان عظیم الدوله
 بهادر در باره ارسال زرتحییل دو به
 معصوم حسین نجیب خان معوض بجا و سه لوگر

فیض احمد و مدد و تنافس آن نشان بخج
 انعام مولوی عبدالحق در باره سیر کی پنج بزر
 و در ضرب اتواب رعد او از زنی
 ز تحصیل کور کانونه و ارباب حاصل
 فصل ریح بخانه عامه و ششمنی بنام
 عبد اللطیف خان خان پور و الا شعری
 ارشاد که ششمنی خان و مولوی فیض احمد
 خان مفتی عدالت سلفانی برای تحصیل زر
 مالکداری ضلع بلبله شهر و علی که ه
 و ایشه را ضلع ان تواج می شود باید
 که نیک جلای و قد است خود نموده بود
 فصل ریح ارسال خزان عامه نماید
 مسجل بهر خاص نموده حواله سیر کی فرموده
 و نیز بنام محمود علیخان و هم نام نوراله
 بمضمون مالک و محمود علیخان جانش
 نوراله و در سر سکه بباد
 و محمد داود خان که هم پور و اله بهمن
 سفیران صدر شرفت اجرائ
 گرفت نصف النهار شکام نعمت بهر
 مایه طعام کشته قملوله گاه ارسند
 با دایمی نماز شبین و دیگر شغال نشین

عصر خوانده اند خسته بن نماز وقت
 حضور حکمت بنیاد و دیگر اراکین
 در باره سلسله افضل الفضلا
 الکلام فصیلت باب کلمات کتاب
 سبحان دوران حسان زمان حلال
 عقود شرح و شهود یگانه روزگار
 فرزانه شهر و دیار مولوی محمد فضل
 مع برادر سیدان خود حاضر حضور آمده
 نذر عازمت که آینه بعد عرض معروض
 زمین ترضی بود فقط

یوم شنبه سبت و بیستم و پنجم

قبل از طلوع میر جهان افروز فرضیه و
 سودا نموده احترام الدوله بباد را
 شرف نبض ستمنا سخی شنیده بعد
 بعض حضور سیر اراکین در بار
 نرسند جانبانی اراسته اوداب
 و کور نشن باریان بنیوت سنده و نولوا
 محمد فضل حق خان مع برادر و دیگر
 افسران فوج ظفر سون عرض کرده

بدر روز شنبه پنجم و بیستم و پنجم

مرض شده پس ازان داخل شنبه
 خلد بیان شده ملاحظه قطعه شقه
 کرامت مرتبه در انشا اسمی را و
 یکلرام در باره نکاست زرامنی
 قصبه کویا که و دیات اطرا
 و تا کید آکید در باب زود از و
 ارسال زرامنی ان قصبه سحر
 بمر خاص نموده زیور اجرا پوشید
 نصبت اللهم انکام نعمت برانی
 مایه طعام گشته قیلو که گاه ار استند
 بادامی ناز نشین و دیگر اشغال
 و نشین عصر خوانده نه ملاحظه عرض
 احرام الله و له با در مشعر عدم حصار
 خود این وقت سبب کسل طبع بر
 دستخط فرموده فرستاده بعد
 شوجه سیر و گلشت باغ سلیمه
 شده شام گاه از انجا مر صبح
 نموده داخل خانه احوال گردید

یوم چهارم است یوم پنجم

باعث دیر فلک فرضیه باد
 مواد نموده احرام الله و له باد
 را سعادت نبض شناسی داده
 جلوه آراسی در بار گشته حصار
 تهور شعار ادا ب و کور نش
 سجا آورده ب بایه صاحب بهم
 و کلاه استاند بعد قبول مجرا و
 تسلیم باریان غبه سپهر کرم
 داخل ایوان شهر یاری شده
 مولوسی محمد فضل خان حاضر بایه
 والا گشته عرض کردنی معروضت
 بعد ازان رخصت گشت نصف النهار
 هنگام نعمت برای مایه طعام
 شده قیلو که گاه ار استند باد
 ناز نشین و دیگر اشغال نشین
 عصر خوانده نه خردن نهادت
 بنام حاضر حضور گشته رخصت
 سر بند س با نیت بعد ترخص
 انجیر خواه همگانی تو نیک رکاب
 شوجه سیر و قرض و گلشت باغ
 سلیم که کرده به شامگاه را

مراجعت داخل مشکوی خام
شدند فقط

یوم نهم شب نهم حججه

صبح کا این بود ای فریضه باید احترام
الدوله بجا در اسعادت
قبض شناسی بجهت بدست
قبض یا رطلوه آراشد بخصا
شوکت شعارنا صیبه سابی باگاه
خاقانی کشته اداب و کورشم
ادا ساختند افسران جنگی
موض داشتند که مخالفین بدین
سورچه خود متصل باغ قدسیه
قائم کرده بودند ازین سولنه
بارش کوله توب جان گردید
کلا سباب دمه و سلاست
کوچه و غره چون خنس و خناک
از سینه جاسوخت و خرمین ان
نایبگان بباد قنار
فرمودند از سجاد جلیخانه خوا کرد

منبذ ظهور خواهد آمد بعد از
در بار بر خاسته داخل عشرت
سرمای خاص گردیدند
نصف النهار هنگام لغت پیرا
ماید ه طعام کشته قیلو که گاه
اراستند با داسی نماز شبیر
و دیگر اشغال و نشین عصر
خواننده اشهرین نهار حضور کے
اراکین در بار در دیوان خاص
جلوه آرا شده بگریسی زنگار
نشسته و حاضرین چون مالک کرده
حلقه بستند درین حکمت پناه
حاضر حضور کشته مشرف به نظیر
شناسی گردید بعد ترخیص آنها
شوچه سیر و کلکشت سلیم که
کردید دشت سگاه از انجمن
مراجعت نموده و در آشنایی سوار
نظارت خان و دیگر اراکین
مشرف ملازمت مشرف
ساخته بمرسی کو کبه اقبال و مال
عشرت گاه اجلالی شده فقط

افسران بجان مبارکگاه
 ملک حاضر آمدہ عرض حالات
 جنگ و جدل و ارادہ و امانت
 کفار بہ بگردار کردہ مانند بعدہ
 رخصت یافتہ حضور لا مع انور
 از دربار برخواستہ و داخل
 ایوان شہر مارے شدہ
 نصف النہار هنگام نعمت برآ
 مایہ طعام کشتہ قیلو لہ گاہ ارادہ
 بادای نماز یکشنبہ و دیگر اشغال
 و نشین عصر خوانندہ و ششہ عام
 دستخطی کہ در دفتر والا نقل شدہ
 بسبب بادشاہزادہ مجتہد
 مع دو قطبہ ششہ مہری مزار
 خضر سلطان بہادر روانہ
 کشتہ اخسہ بن ہمار احترام
 الدولہ حاضر شدہ شرف
 حضورے دریافت بعدہ
 رخصت ان خیر خواہ با اخلص
 بہ مہری طلبیدہ چند قبض لا بزوال
 پیر و تفریح ستیم کہ ہ برداختہ

یوم جمعہ ام دیحجہ

بادای سنن و فریضہ یوم اودنیہ
 چشمہ ام الدولہ بہادر راکشہ
 نبض شناسی بخشیدہ بہ بویان
 خاص جلوہ آرا کردیدند عیان
 دولت و ارکان سلطنت مثل
 مصصام الدولہ بہادر و سعین الدولہ
 نظارت خان و شمس الدولہ
 ششہ نجف خان و سہ افزہ
 الدولہ کتبان و لدا علی خان
 و شہر الدولہ نائب کتبان و نواب
 حسن علی خان بہادر و نواب
 امین الدین احمد خان و ضیا اللہ
 احمد خان و امجد الدولہ حکیم
 بہ الحق خان و دیگر اراکین
 ایشان و الیکاران خانقشان
 بہرہ ساری بارگاہ خاقانے
 شدہ اداب و کورکش از
 ادب مودتی کردانیدہ

شام گاه مراجعت بدو تخوانه
فسر بودند بروقت نزول
کاشانه اقبال اعتماده والد
سید حامد علیخان حاضر با نگاه
گشته آداب و کورشش عرض
کنایه رخصت نواخته
منوب بودا کردند فقط

را
سلسله
تیمور
و کورنیز
مرا آید فقط

تیمور
کلیه
باجانب